

۳۹- بن بست زندگی انسان از دیدگاه جامعه شناسان انتقادی چیست؟ دست شستن از آرمان

بزرگ داوری علمی نسبت به ارزش های اجتماعی به ویژه در عرصه قدرت

۴۰- دست شستن از داوری علمی درباره ارزش های سیاسی و اجتماعی چه نتایجی به دنبال

خواهد داشت؟ فرد نمی تواند انتخاب های صحیحی در عرصه سیاسی و اجتماعی داشته باشد و یا اینکه فرد با انفعال، مشارکت سیاسی و اجتماعی خود را از دست میدهد و نمی تواند به انتخاب های خود معنا بدهد.

پرسش ها و پاسخ های درس هفتم:

۱- انواع تفاوت میان افراد را توضیح دهید؟ ۱- برخی تفاوت ها تفاوت های اسمی نامیده می شوند و نمی

توان افراد را بر اساس این تفاوتها رتبه بندی کرد مثلاً سفید پوست بودن رنگین پوست بودن، زن

بودن مرد بودن به طور کلی جنسیت و نژاد را نمی توان بر یکدیگر برتری داد. و آنها نسبت به

یکدیگر برتر یا دارای رتبه نیستند. ۲- برخی تفاوتها تفاوت های رتبه ای نامیده می شوند مانند

تفاوت در قطع هوش ثروت و تحصیلات. یعنی برخی افراد کمتر و برخی بیشتر از این ویژگی ها

برخوردار هستند برای مثال افرادی که دارای قد و ضریب هوشی متفاوت هستند با هم برابرند یا

افرادی که دارای ثروت و تحصیلات متفاوت هستند با هم برابرند. تفاوت ها را می توان به سه نوع

تفاوت اسمی مانند تفاوت در رنگ پوست یا نابرابری های طبیعی مانند تفاوت در قد یا نابرابری های اجتماعی مانند تفاوت در تحصیل تقسیم کرد.

۲- انواع نابرابری ها را توضیح دهید. ۱- نابرابری های طبیعی مانند نابرابری افراد در قد و ضریب هوشی

۲- نابرابری های اجتماعی که در جامعه ایجاد می شوند مانند نابرابری در تحصیلات و ثروت.

۳- نظام آپارتاید چگونه نظامی است؟ در نظام آپارتاید تفکیک نژادی در اماکن عمومی، ایستگاه ها،

ورزشگاه ها، بیمارستان ها، مدارس اجرا می شد. نژاد سفید را نسبت به سیاه پوستان بسیار برتر می دانستند.

۴- در طول تاریخ نابرابری های اجتماعی چگونه توجیه می شد؟ در طول تاریخ بسیاری از فرهنگ ها و

جوامع تفاوت های اسمی و نابرابری های طبیعی را بهانه ای برای نابرابری های اجتماعی قرار داده اند

مثلاً به دلیل تفاوت میان دو جنس یا نژاد های مختلف میان آنها نابرابری های اجتماعی ایجاد

می کردند.

۵- در چه صورتی نابرابری های طبیعی مورد توجه جامعه شناسان قرار می گرفت؟ تفاوت های اسمی و

نابرابری های طبیعی در صورتی که به نابرابری های اجتماعی منجر شوند مورد توجه جامعه

شناسان قرار می گیرند.

۶- جامعه شناسان علت نابرابری های اجتماعی را چه می دانند؟ جامعه شناسان معتقدند علت

نابرابری های اجتماعی این است که مزایای اجتماعی یعنی ثروت قدرت و دانش به صورت نابرابر

میان افراد توزیع شده‌اند. از این رو برخی افراد در بالای سلسله مراتب اجتماعی قرار می‌گیرند و برخی افراد در پایین آن

۷- آیا وجود نابرابری‌های اجتماعی برای جامعه ضرورت دارد؟ یا اینکه برای برقراری عدالت اجتماعی

باید با نابرابری اجتماعی مبارزه کنیم و همه افراد و گروه‌ها را برابر نماییم؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها سه رویکرد وجود دارد. رویکرد اول معتقد است که نابرابری اجتماعی برای بقای جامعه ضرورت دارد و نابرابری اجتماعی از تفاوت‌های یا نابرابری‌های طبیعی برمیخیزد مثلاً کسی که زمین کشاورزی بیشتری دارد محصول بیشتری و ثروت بیشتری کسب می‌کند و از گذشته‌های دور تاکنون هیچ جامعه‌ای بدون قشربندی اجتماعی نبوده است و قشربندی پریده است که در همه زمانها و مکانها وجود داشته است و نابرابری اجتماعی عادلانه است. رویکرد دوم معتقد است که نابرابری‌های اجتماعی ناشی از تفاوت‌ها و نابرابری‌های طبیعی نیست بلکه نتیجه روابط سلطه جویانه میان انسان‌ها است و باید با آن مبارزه کرد عدالت اقتصادی را مهم می‌دانند و معتقدند که با توزیع برابر ثروت عدالت برقرار خواهد شد و مالکیت خصوصی ظالمانه است و باید مالکیت خصوصی حذف شود تا انگیزه رقابت از بین برود. رویکرد سوم طرفداران عدالت اجتماعی حسن که معتقدند رویکرد قبلی عادلانه نیست این رویکرد نه با رهاسازی مطلق موافق است و نه با کنترل مطلق.

۸- چرا دیدگاه جامعه‌شناسانی که نابرابری اجتماعی را امری ضروری می‌دانند (طرفداران قشربندی

اجتماعی) صحیح نیست؟ (چه نقدی بر رویکرد اول وارد است): چون آنها این واقعیت را نادیده می‌گیرند که نابرابری‌های اجتماعی همیشه نتیجه نابرابری‌های طبیعی نیستند. در هر جامعه‌ای برخی از افراد در طبقه بالا و برخی دیگر در طبقه پایین متولد می‌شوند یعنی نقطه شروع رقابت میان افراد یکسان نیست مثلاً کودکی که در طبقه بالا متولد می‌شوند نسبت به کودکی که در طبقه پایین متولد می‌شوند از امکانات آموزشی بهتری برخوردارند. و این نابرابری اجتماعی مقدمه نابرابری اجتماعی بعدی می‌شود نه یک تفاوت و نابرابری طبیعی.

همچنین آن‌ها نقش انسان‌ها و جوامع در پدید آمدن نابرابری‌ها را نادیده می‌گیرند و تغییر در آن را امکان‌پذیر نمی‌دانند. رقابت زمانی صحیح است که نقطه شروع آن‌ها یکسان باشد نه اینکه از ابتدا آن‌ها با یکدیگر متفاوت باشند.

۹- سه رویکردی که نابرابری‌های اجتماعی را توضیح می‌دهند به کدام مدل‌های سیاسی اجتماعی

نزدیک هستند؟ رویکرد اول یا طرفداران قشربندی اجتماعی مدل لیبرالی. کسانی که مخالف نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی هستند مدل کمونیستی سوم رویکرد حوزه رقابت یا حوزه برابری و مدل عدالت اجتماعی است.

۱۰- چرا رویکرد دوم و نظر اندیشمندانی که مخالف قشربندی اجتماعی هستند صحیح نیست؟

زیرا در این نظریه افراد توانمند و کوشا به اندازه استحقاقی که دارند از مزایای اجتماعی برخوردار نمی‌شود. مخالفان قشربندی گمان می‌کنند اگر مالکیت خصوصی از بین برود دیگر طبقه پایین

نخواهیم داشت و همگان شرایط یکسان خواهند داشت در این رویکرد انگیزه رقابت از بین می رود راه پیشرفت مادی مسدود می شود.

۱۱- ویژگی های رویکرد سوم یا طرفداران عدالت اجتماعی چیست؟ در رویکرد عادلانه مالکیت

خصوصی لغو نمی شود اما جامعه وظیفه دارد و امکان رقابت را برای همگان فراهم کند و نقطه شروع رقابت را یکسان نماید و دولت وظیفه دارد که تمام نیازهای ضروری افراد را تامین کند البته به افراد نیز بر اساس توانایی ها و شایستگی های خود امکان رقابت بدهد طرفداران این رویکرد به دنبال برقراری عدالت اجتماعی هستند اما به بهانه عدالت اجتماعی و آزادی های افراد و امکان رقابت را از میان آنها از بین نمی برد.

۱۲- یکی از راه های کاهش نابرابری اجتماعی در کشور چیست؟ گرفتن مالیات بیشتر از اقشار برخوردار و پرداخت یارانه به اقشار کم برخوردار

۱۳- اولین چالشی که در جهان متجدد ظاهر شد چیست؟ چالش فقر و غنا و فاصله ای که بین فقرا و ثروتمندان به وجود آمده است.

۱۴- تا چه زمانی پیامدهای اجتماعی وجود دارند؟ تا زمانی که افراد آن جامعه با یکدیگر مشارکت اجتماعی دارند.

۱۵- جامعه شناسان پوزیتیویست و جامعه شناسان تفهیمی هر یک به کدام یک از وجوه زندگی اجتماعی انسان توجه داشتند؟ جامعه شناسان پوزیتیویست بیشتر به ساختارهای جهان اجتماعی توجه داشتند و نظم اجتماعی را مهم می دانستند. جامعه شناسان تفهیمی بیشتر به الزام ها و پیامدهای جهان اجتماعی و تاثیر پیامد های کنش های اجتماعی را بر زندگی اجتماعی انسان ها توجه داشتند.

۱۶- جامعه شناسان انتقادی در خصوص جهان اجتماعی چه تفاوت هایی با دیدگاه پوزیتیویست ها و جامعه شناسان تفهیمی داشت؟ جامعه شناسان انتقادی معتقدند جهان اجتماعی و ساختارهای آنکه به دست خود انسان ها ایجاد شده اند انسان ها را گاهی زیر سلطه خود در می آورند بی توجهی به ساختارهای اجتماعی و نادیده گرفتن آنها به معنای چشم پوشی از آثار و پیامدهای مخرب آنهاست زیرا انتقاد از ساختارهای اجتماعی و در نتیجه کنترل آثار مخرب آن ها را ناممکن می سازد.

۱۷- نظر جامعه شناسی انتقادی نسبت به ساختارهای اجتماعی چیست؟ جامعه شناسان انتقادی بر ضرورت انتقاد علمی از ساختارهای سرکوبگر تاکید دارند تا از سلطه ساختار های اجتماعی بر انسان ها پیشگیری شود همچنین زمینه شکل گیری ساختارهای اجتماعی انسانی تر و اخلاقی در فراهم آید.

۱۸- چه عاملی موجب شد که جامعه شناسان انتقادی به داوری درباره ارزشها و انتقاد از آنها کشانده شوند؟ فاصله میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب جهان اجتماعی

۱۹- جامعه شناسان انتقادی برای داوری و انتقاد به چه چیزهایی نیاز دارند؟ به معیارهای علمی نیاز دارند تا بر اساس آن معیارها وضعیت موجود را ارزیابی کنند تصویری از وضعیت مطلوب ترسیم نمایند و راه عبور از وضعیت موجود به سوی وضعیت مطلوب را پیشنهاد دهند.

۲۰- جامعه شناسان انتقادی برای اینکه بتوانند داوری ارزشی کنند و مانند جامعه شناسان پوزیتیویست و تفهیمی دچار ناتوانی نشوند چگونه اقدام می کنند؟ جان شناسان انتقادی علم را به معنای حسی و تجربی آن محدود نمی کنند و سعی دارند از محدودیت های علمی و تجربی رها شود تا بتوانند معیارهایی برای جستجو و داوری ارزشی پیدا کنند.